

کشت و استعمال مواد مخدر و تاثیر آن

بر رفاه اجتماعی و مبانی فقهی آن

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۵/۱۲)

اکبر زارع

چکیده

هدف عمده این مقاله بررسی کاستی‌های قوانین موجود در مبارزه با جرایم مربوط به مواد مخدر است. از آنجا که رابطه معناداری بین اعتقاد به حرمت مصرف مواد مخدر و عدم اعتیاد وجود دارد، همچنین مبانی و نگرشهای فقهی در تدوین قوانین کشور بی تأثیر نیست، بخش اول مقاله به بیان اقوال و مستندات فقهی در مورد مواد مخدر پرداخته و ضمن مقایسه اجمالی بین دیدگاههای اهل سنت و فقههای شیعه، حکم شرعی آن را از زبان فقها بیان می‌کند. بخش بعدی مقاله به بررسی قوانین قبل از انقلاب اختصاص دارد که در آن بیشتر سیاستهای کیفری، شرایط حاکم و پیامدهای مصوبات در مقاطع مختلف مورد توجه قرار گرفته است. بخش پایانی که عمده مباحث مقاله را تشکیل می‌دهد، به سیر قانونی برخورد با مواد مخدر در پس از انقلاب اختصاص یافته است. در این بررسی اجمالی، تمرکز عمده بر قوانین و مصوبات فعلی است که ضمن بیان مزایای این مقررات، نواقص و تناقض‌های موجود را در آنها یادآور شده و در پایان راهکارهایی برای تدوین قوانین جامع‌تر برای مبارزه جدی با اعتیاد و مواد مخدر، ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: مواد مخدر، رفاه اجتماعی، بحران اعتیاد، قانونگذاری، جامعه، شخص

معتاد، تریاک

مقدمه

در گزارشی از اینترپول، مقدار تریاک تولید شده در افغانستان در سال ۱۹۹۷ حدود ۳۸۰۰ تن برآورد شده است و بر اساس گزارش برنامه مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل، افغانستان به تنهایی ۵۰٪ هروئین موجود در جهان و ۸۰٪ هروئین در اروپا را تأمین می‌کند. در سال ۱۹۹۹ افغانستان ۴۲ درصد کشت جهانی خشخاش و ۷۹ درصد تولید جهانی تریاک را به خود اختصاص داد (۴) و وجود ۱۹۲۵ کیلومتر مرز مشترک با دو کشور تولید کننده و صادر کننده مواد مخدر، بحران اعتیاد را در ایران با مشکلات مضاعفی مواجه ساخته است چرا که ایران نزدیک‌ترین راه برای قاچاق مواد مخدر به ترکیه و مسیر بالکان به شمار می‌رود. وجود چنین وضعیت جغرافیایی موجب شده است ۵۴٪ از زندانیان ایران رابطه مستقیم با مواد مخدر داشته باشند و درصد بالایی از جرایم دیگر از جمله سرقت به دلیل اعتیاد به مواد مخدر ارتکاب یافته باشد. افزایش تعداد معتادان، کاهش سن اعتیاد و فراگیر شدن اعتیاد و تسری آن حتی به خانم‌های خانه‌دار و دست به دست هم دادن عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی مختلف برای عمق بخشیدن به بحران اعتیاد، شرایط و وضعیت بسیار نابه سامانی را برای کشور ما فراهم آورده است. از این رو ضروری می‌نماید از ابعاد مختلف این مسأله بررسی و راه‌حلی برای ریشه‌کن کردن آن اندیشه شود. از آنجا که اعتقادات دینی در کاهش جرایم تأثیر به سزایی دارد (۸) و همچنین به موجب اصل چهارم قانون اساسی انطباق با شرع از شرایط تصویب قوانین ایران به شمار می‌رود، ابتدا به بررسی موضع شرع در برابر مواد مخدر پرداخته سپس قوانین مرتبط با آن و سیاستهای کیفری را در طول قانون گذاری در ایران بررسی می‌کنیم.

بخش اول: استعمال مواد مخدر از دیدگاه شرع

امروزه درصد بالایی از مسلمانان استعمال مواد مخدر را مباح یا مکروه می‌پندارند از این رو در استعمال آن تسامح می‌ورزند، در حالی که اگر اعتقاد به حرمت همچون اعتقاد به سایر مسکرات در بین مسلمانان رواج می‌یافت مواد مخدر به سادگی نمی‌توانست جوامع اسلامی را فرا گیرد. اغلب علما و صاحب نظران اسلامی هم از آن به عنوان یک پدیده زشت اجتماعی و دارای اثر زیانبار یاد کرده‌اند و مباحث مبنایی دال بر حرمت شرعی آن کمتر مورد توجه قرار

گرفته است بر همین اساس در بند ۵ قطعنامه اولین سمینار بررسی مسائل اعتیاد (۲۷-۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۴) بر شناساندن حرمت شرعی مواد اعتیاد آور تأکید شده است. گفتنی است در شبهات تحریمی مادی که دلیل بر حرمت اقامه نشده باشد، عموم فقها قائل به حلیت‌اند و برای آن «سیگار کشیدن» را مثال می‌آورند. بنابراین حرام بودن مصرف مواد مخدر نیاز به دلیل خاص دارد. به اعتقاد بسیاری از فقها ملاک حرمت در این موارد، تحقق ضرر است و چه بسا در مواردی که ضرر نداشته یا ضرر آن اندک و قابل تسامح عقلایی باشد، نتوان قائل به حرمت شد. روایاتی نیز در مذمت مصرف مواد مخدر وجود دارد که به برخی از آنها اشاره کنیم:

۱- از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

من احتقر ذنب البنج فقد كفر» هر کس گناه استعمال بنگ را سبک بشمارد، کافر شده است.

۲- در نقل دیگری آمده است:

سلموا علی اليهود و النصارى و لا تسلموا آکل البنج» بر یهود و نصاری سلام کنید ولی بر کسی که بنگ استعمال می‌کند، سلام نکنید.

۳- در روایتی دیگر از آن حضرت می‌خوانیم:

من «اکل البنج فکانما هدم الکعبه سبعین مره و کانما قتل سبعین ملکاً مقرباً و کانما قتل سبعین نبیاً مرسلأ و کانما احرق سبعین مصحفاً و کانما رمی الی الله سبعین حجراً و هو ابعد من رحمه الله من شارب الخمر و آکل الربا و الزانی والنمام» هر کس بنگ استعمال کند همانند کسی است که خانه کعبه را هفتاد بار خراب کرده هفتاد ملک مقرب را کشته و هفتاد پیامبر مرسل را به قتل رسانده باشد و همچون کسی است که هفتاد قرآن را سوزانده و.... چنین کسی از رحمت خدا از شراب خوار، ربا خوار، زانی و سخن چین هم دورتر است. برخی از فقها از روایات یاد شده استفاده حرمت کرده‌اند و بدیهی است وقتی استعمال بنگ و حشیش حرام باشد، استعمال دیگر مواد مخدر هم به طریق اولی حرام خواهد بود. با وجود این، این احتمال نیز بعید نیست که روایات فوق به مضرات مواد مخدر توجه کرده و برای دوری از آن به توصیه اخلاقی پرداخته‌اند چنان که گاه حاضر نشدن در نماز جماعت هم با همین تعبیر «لا تسلموا علی اليهود و النصارى» از زبان پیامبر مورد سرزنش قرار گرفته است و بر همین اساس نمی‌توان صرفاً

به استناد این قبیل روایات به حرمت مطلق استعمال مواد مخدر ملتزم بود. با وجود این روی آوردن به مواد مخدر در صورتی که مشمول ادله ضرر و زیان بر نفس باشد، به دلیل کافی بودن ادله حرمت ضرر، بی تردید حرام خواهد بود و فتاوی فقها مبنی بر حرمت نیز بر همین اساس است. بنابراین، اگر چه در گذشته فقها به تحریم مطلق مصرف مواد مخدر فتوا نداده و آن را منوط به تحقق ضرر کرده اند ولی اکنون که ضرر داشتن آن بر همه آشکار شده است، در حرمت آن تردیدی باقی نمی ماند. تا جایی که آیت الله فاضل لنکرانی تصریح کرده اند که: «کشیدن تریاک و لو اینکه اطمینان به عدم اعتیاد هم در آن باشد جایز نیست» یا آیت الله گلپایگانی ضمن فتوای صریح به حرمت استعمال تریاک، حشیش و مواد مخدر، استعمال تفریحی آن را در صورتی که شخص در معرض اعتیاد قرار گیرد، حرام می دانند.

فتاوی دیگر فقها در این خصوص به این شرح است:

آیت الله بروجردی (۱۴ ربیع الاول ۱۳۷۷) همیشه نوشته ام مقتضی است مسلمین بلکه تمام عقلا از این سموم مهلکه خود را نجات دهند».

امام خمینی: «جلوگیری از خرید و فروش و پخش این طور مواد، بی اشکال، لازم است از نظر شرع هم باید این کار بشود» و در جواب از سوءال فروش هروئین و فروش آن به معتاد یا غیر معتاد نوشتند «جایز نیست و فرق نمی کند».

شهید مرتضی مطهری هم از باب مفسده داشتن و ضرر داشتن تریاک حکم شرعی آن را حرام می دانند.

در میان فقهای اهل سنت نیز فتوای به تحریم استعمال حشیش و بنگ سابقه ای طولانی دارد. در این که مصرف کننده مواد اعتیاد آور بر چه اساسی قابل مجازات است سه نظر در میان آنان به چشم می خورد:

الف) عدلهای با استناد به «کل مسکر خمر و کل خمر حرام» و «نهی النبی عن کل مسکر و نقر»

مواد مخدر را در زمره مسکرات قرار داده و به نجس بودن، حرمت و مشمول حد شدن مرتکب آن فتوا داده اند و مقدار حد را ۴۰ یا ۸۰ ضربه شلاق دانسته اند و بر همین اساس

گفته‌اند هم قاعده درء (که مختص حدود است) در آن جاری است و هم توبه از عوامل مخففه به شمار می‌آید. در عربستان سعودی، نظر شریعت اسلام در مورد مواد مخدر چنین اعلام شده است: حکم مواد مخدر، حکم خمر است از نظر خرید و فروش، وجوب حد، نجاست و عدم جواز به کارگیری آن برای معالجه. و از جمله مواد مخدر است توتون و تنباکو و هرگونه بهرهوری از آنها مثل دود کردن و بوییدن، تزریق و بلعیدن موجب اقامه حد است که هشتاد یا چهل ضربه تازیانه خواهد بود».

ب) گروهی دیگر، خریدار، فروشنده و حتی کسی را که مواد مخدر را استعمال می‌کند، مستحق مجازات محارب دانسته‌اند که عبارت است از قتل، به‌دار آویختن و...، ولی مجلس هیئت کبار علما در عربستان سعودی در قرار شماره ۲۳۸ فقط قاچاقچی مواد مخدر را در حکم محارب دانسته است.

ج) گروه سوم، ضمن فتوای به حرمت مواد مخدر و حرمت معالجه با آن جز در موارد ضروری، نسبت به کسی که آن را استعمال کند، قائل به تعزیر شده‌اند. (۳۹) برای نمونه، شربینی هر آنچه را که موجب زوال عقل شود از موجبات تعزیر می‌داند (نه حد) و برای آن استعمال حشیش و بنگ را مثال می‌آورد. (۴۰) یا، حصنکی به حرمت مصرف بنگ و حشیش حکم کرده و می‌گوید حرمت آن کمتر از حرمت خمر و موجب تعزیر است.

بخش دوم: مبارزه با اعتیاد در ایران

در ایران مبارزه برای مصرف غیر طبی تریاک، برای اولین بار در سال ۹۳۹ ق. به فرمان شاه طهماسب اول صورت گرفت و به قول اسکندر بیگ ترکمان، پانصد تومان تریاک فاروق را که در انبار شاهی بود به «شبهه حرمت» در آب روان حل کردند. در این گزارش دو نکته قابل توجه است: یکی این که بحث شبهه حرمت مطرح است نه قطع به حرمت و دیگر آن که با دید حرمت شرعی به مبارزه با آن بر می‌خیزند و جالب‌تر آنکه به جای برخورد با معتادان سعی در از بین بردن زمینه اعتیاد دارند. این دید مذهبی در قرن یازدهم هجری تغییر یافته و در زمان شاه عباس کبیر در سال ۱۶۲۱ م فرمانی برای منع استعمال آن و مجازات شدید برای متخلفین صادر می‌شود که فقط مدت کوتاهی اجرا می‌شود و مصرف مواد در بین ایرانیان افزایش یافته و

اعتیاد رواج می‌یابد تا جایی که قارونیه در ۱۶۲۹م از عادات ایرانیان در مورد استعمال تریاک اظهار شگفتی می‌کند قدم بعدی در مبارزه را می‌توان دوران صدر مشروطیت دانست که در این زمان فتاوی علمای، گفتار شاعران و روزنامه‌ها و مجلات برای مبارزه با مواد مخدر بسیج شد و کسی چون حاج ملا علی گنابادی با نوشتن کتاب «ذوالفقار» با استفاده از آیات کوشش زیادی در زمینه بیان جنبه حرمت مواد مخدر نمود. در این موقع، هم معتاد از این نظر که امری خلاف شرع را مرتکب شده بود، مجرم و قابل مجازات تلقی می‌گردید و هم با جنبه شرعی دادن به مسأله قدمی در فرهنگ سازی جامعه برای مبارزه با مواد مخدر برداشته شد. پس از این، دوران قانونگذاری و مسأله سیاست جنایی در بر خورد با معتادان مطرح می‌شود که بر سه محور دور می‌زند:

- ۱- معتاد بیمار است و کسی است که قربانی جرم است نه مجرم.
 - ۲- معتاد مجرمی است که مستحق مجازات نیست، زیرا در شکل گیری جرم نقش داشته، ولی پس از اعتیاد باید به جای مجازات به اقدامات تامینی دست زد.
 - ۳- معتاد مجرم و قابل مجازات است.
- قانون گذاری در زمینه مواد مخدر را در قالب قوانین قبل و پس از انقلاب می‌توان بررسی کرد. از آنجا که بسیاری از این قوانین منسوخ است تنها از این لحاظ که سیاست کنونی ایران را در زمینه مواد مخدر آشکار ساخته و به کاستیها و پی آمدهای هر دوره قانون گذاری پرداخته شود، قوانین قبل از انقلاب را به اجمال بررسی کرده و عمده مباحث را بر قانون فعلی و بیان کاستیها و احیاناً امتیازات آن متمرکز می‌کنیم. روشن است توجه به سیاست‌ها و برنامه‌ها از این نظر مفید است که در شرایط فعلی هم از تجربه‌های آن دوران می‌توان استفاده کرد و هم از کاستیها و نواقص جلوگیری می‌شود.

الف- دوران قبل از انقلاب ۱- از ابتدا تا سال ۱۳۳۴ (سیاست کنترل)

نخستین قانون مصوب در زمینه مواد مخدر «قانون تحدید تریاک» مصوب ۱۲۸۹/۱۲/۲۳ است که نکات عمده در این قانون ۶ مادهای بدین شرح است:

۱- وضع مالیات برای تریاک

۲- خرید سوخته تریاک و تهیه شیرۀ از آن

۳- پیش بینی مدت هفت سال برای از بین بردن زمینه مصرف تریاک

۴- در نظر گرفتن تسهیلات معافیت از مالیات برای تریاکی که از کشور خارج می شود

۵- در این قانون سه نقص عمده وجود داشت که با هدف تحدید تریاک (عنوان قانون) در تضاد بود:

الف- خرید سوخته تریاک خود نوعی تشویق برای مصرف آن بود.

ب - معافیت از مالیات هم صادرات آن را تشویق می کرد که لازمه آن تولید یا وارد ساختن مواد مخدر و در نتیجه رواج مواد مخدر در کشور بود.

ج - با پیش بینی مدت هفت سال، عملاً در این مدت رواج مواد مخدر به رسمیت شناخته شد. این وضعیت، یعنی رسمیت دادن به ترویج مواد مخدر ادامه داشت تا این که برای اولین بار ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴، استعمال علنی تریاک و الکل و سایر مواد مخدر را جرم دانست. پس از آن «قانون انحصار دولتی تریاک» در ۲۶ تیر ۱۳۰۷ به تصویب شورای ملی رسید این قانون نیز با آن که در صدد بود تولید و توزیع تریاک را زیر نظارت و در انحصار دولت قرار داده و در مدت ده سال با کم کردن یک دهم از مصرف داخلی در هر سال، استعمال تریاک در موارد زیر:

۱ -تحويل سوخته تریاک به دولت (ماده ۱۰) خود نوعی تشویق به اعتیاد بود.

۲ -طبق ماده ۱۲ این قانون مسافران حامل تریاک که به سرحدات وارد می شدند اگر بیش از یک مثقال را گزارش نمی دادند، حکم قاچاق به آن تعلق می گرفت و به نظر می رسد هدف از این مقررۀ چیزی جز دریافت حق گمرک نبوده است.

۳ -طبق ماده ۱۵ دولت مکلف شد با کسر یک دهم از مصرف داخلی در هر سال، در مدت ۱۰ سال استعمال تریاک را در تمام مملکت متروک کند ولی همین تجویز استعمال ۱۰ ساله خود حرکتی بود به سوی مسأله اعتیاد.

۴ -تبصره ماده ۱۵ مقرر می کرد «موءسسه انحصار برای ورود تریاک از خارجه هیچ اجازه نخواهد داد مگر آن که اطمینان حاصل نماید که به مصرف داخلی نخواهد رسید» و این نوعی

تشویق به ترانزیت مواد مخدر بود. می‌توان گفت «در این دوران... چون تریاک یک منبع درآمد ملی محسوب می‌شد و صادرات قانونی و غیر قانون آن سهم در تأمین ارز خارجی برای کشور بوده، هیچ یک از قوانین مصوب کوچکترین اثر در اجرای هدف ننمود و دولت وظیفه‌ای در درمان معتادان به عهده نگرفت.» قدم بعدی در قانون‌گذاری، تصویب «قانون مجازات مرتکبین قاچاق تریاک» در ۱۶ مرداد ۱۳۰۷ بود که با هدف مبارزه با صادرات و واردات تریاک بدون اذن دولت، به تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورا رسید. این قانون نیز گرچه به ظاهر قدمی به جلو برای مبارزه با اعتیاد بود، اما به دلایل زیر توانست این هدف را برآورده سازد:

۱- طبق ماده ۶، حمل و نگه‌داری سوخته تریاک تا ۱۶ مثقال مجاز بود و برای بیش از این مقدار جریمه مالی در نظر گرفته شده بود. علاوه بر این که تجویز کمتر از ۱۶ مثقال تریاک، خود نادیده گرفتن استعمال تریاک برای تهیه سوخته بود و می‌توانست یک سهل‌انگاری قانونی و دولتی، برای ترویج اعتیاد به شمار آید.

۲- طبق ماده ۶ داشتن بیش از ۱۶ مثقال تریاک، در هر مثقال یک قران جزای نقدی در نظر گرفته شده بود ولی در خود تریاک این جریمه عبارت بود از دو قران و پانصد دینار (ماده ۲) این در حالی است که سوخته تریاک خطری بیش از خود تریاک به همراه دارد و همین سیاست موجب شد قاچاق سوخته تریاک رواج یابد.

۳- به دلیل پیش‌بینی مجازات نقدی و ضبط شیر و آلات و ادوات، و نه مجازات دیگر، دامنه شیر‌هکشی وسعت یافت و شیرخانه‌های متعددی در سطح کشور تأسیس شد.

از قوانین و مصوبات دیگر در این دوران می‌توان از قانون تخفیف باندرول تریاک (مصوب ۱۳۰۲/۲/۱۴)، قانون طرز جلوگیری از قاچاق تریاک (مصوب ۱۳۰۸/۹/۳)، قانون اصلاح قانون انحصار دولتی تریاک (مصوب ۱۳۱۱/۵/۴)، قانون مجازات مرتکبین قاچاق (مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹)، نظامنامه هیئت وزیران (مصوب ۱۳۱۳/۴/۲۵)، قانون اصلاح بعضی از مواد قانون مرتکبین قاچاق (مصوب ۱۳۱۹/۳/۱۴) و تصویب نامه‌های هیئت وزیران (مصوب ۱۳۲۵/۶/۱۸ و ۱۳۲۶/۹/۲) در رابطه با مواد مخدر نام برد که هر یک سعی در ساماندهی تولید

و توزیع تریاک داشتند و چنانکه اشاره شده به دلیل سود دهی فراوان تجارت مواد مخدر و داشتن درآمد مالی، هدفی جز سود فراوان دولت در میان نبود و تمام این حرکت‌های ظاهری می‌توانست بر میزان معتادان بیفزاید.

۲- از سال ۱۳۳۴ تا انقلاب (سیاست تولید و توزیع دولتی) چنان که اشاره شد تا قبل از سال ۱۳۳۴ به دلیل قانونی بودن تولید، توزیع و ترانزیت مواد مخدر هر چند به صورت محدود و تحت نظارت دولت، شمار معتادان به دلیل دسترسی به مواد اعتیاد آور رو به فزونی بود و در واقع مصوبه‌های آن دوران حرکتی بود برای تأمین منابع درآمد ملی، تا این که در ۷ آبان ۱۳۳۴ با تصویب قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک قدمی اساسی در مبارزه با اعتیاد بر داشته شد. این حرکت در نخستین گامها به قدری حرکت جدی به شمار می‌آمد که ایران در تبصره واحده «قانون الحاق دولت ایران به پروتکل تحدید و تنظیم کشت خشخاش و تولید و تجارت بین المللی و تجارت عمده مصرف تریاک» (مصوب ۱۳۳۶/۸/۱۴) بر این امر تأکید کرد که: «الحاق ایران به این پروتکل به هیچ وجه تأثیری در قانون منع کشت خشخاش مصوب هفتم آبان ماه ۱۳۳۴ نخواهد داشت». متعاقباً آیین نامه این قانون در ۱۹/۱۰/۱۳۳۴ به تصویب رسید و در سال ۱۳۳۸ قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش برای رفع کاستی‌های قانون مورد تصویب قرار گرفت که تعریف و تعیین مواد مخدر را می‌توان از جمله اقدامات قانونگذار در این مقطع دانست. در این مدت «اصل عدم دسترسی به مواد مخدر و توسعه در درمان» مورد توجه بود ولی متأسفانه در این حرکت، تجارت غیر قانونی و قاچاق تریاک از خارج به ایران به منظور ارضای تقاضای شدید معتادین به تریاک افزایش یافت. تا جایی که قانون گذار ناچار شد در ۱۳/۱۲/۱۳۴۷ قانون اجازه کشت محدود خشخاش و صدور تریاک» را به تصویب برساند. ماده ۱ این قانون مقرر می‌کرد: «از تاریخ تصویب این قانون تا زمانی که کشت خشخاش در کشورهای همسایه ایران ادامه داشته باشد، وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی مجاز خواهد بود در مناطق و به مساحتی که هر ساله با تصویب هیئت وزیران تعیین می‌شود به کشت خشخاش مبادرت کند. دولت مکلف است در صورت اطمینان از اینکه کشت خشخاش در کشورهای همسایه موقوف شده، کشت آن را در ایران متوقف کند». در

مواد بعدی قانون هم مکرر به ترک تریاک و در نظر گرفتن ضمانت اجرای اخراج در مشاغل مهم در نظر گرفته شده و بر آن تأکید شده بود و به نظر می‌رسد در آن زمان چنین تصمیمی شایسته بود با این حال، می‌توان این حرکت را یک قدم به عقب و برگشت به اعتیاد و معتاد پروری دانست خصوصاً با توجه به عنوان قانون (اجازه کشت محدود خشخاش و صدور تریاک) که هم مواد مخدر را برای معتادان داخلی فراهم می‌کرد و هم صدور آن می‌توانست سلامتی کشورهای دیگر را هم به خطر اندازد. همچنین منوط کردن دست برداشتن دولت از این اقدام نا به جا به موقوف شدن منع کشت خشخاش در کشورهای همسایه، خود حرکتی بود در ترویج اعتیاد و به هر حال تولید حجم مواد مخدر چه در داخل و چه در خارج و همچنین مجاز دانستن تولید آن برای صدور، می‌توانست قدم بزرگی در افزایش حجم مواد باشد و از آن جا که در نهایت این مواد به مصرف می‌رسید، معتادان بیشتری را هم در دامان جامعه یا حتی کشورهای دیگر بر جای گذاشت. در عمل با قانونی شدن کشت تریاک و تأکید صوری بر محدود سازی آن، مسابقه تولید تریاک میان کشورهای منطقه شروع و به ازدیاد معتادان منجر شد. در ۱۳۴۸/۳/۳۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اصلی جرایم مندرج در قانون کشت خشخاش به تصویب رسید که ضمن تأیید مجدد قانون کشت خشخاش، برای اولین بار در بند «ه» مجازات اعدام را در جرایم مواد مخدر مقرر کرد و در بند «و» رسیدگی به این جرایم را به دادگاه نظامی واگذار نمود. متعاقباً در ۱۳۴۸/۶/۲۰ آیین نامه اجرایی ماده ۳ قانون کشت خشخاش و صدور تریاک به تصویب کمیسیونهای دادگستری و اصلاحات ارضی و بهداری مجلسین رسید و ضمن تأکید بر تجویز تریاک آن هم حداکثر به مدت شش روز، اعتیاد را نوعی بیماری تلقی کرد و در ماده ۴ برای معتادان بالای شصت سال و همچنین کسانی که ترک اعتیاد آنان برای مدتی مقدور نباشد، مقرراتی را راجع به صدور کارت سهمیه در نظر گرفت. تجویز استعمال مواد مخدر در سنین شصت سال به بالا این توهم را قوت می‌بخشید که استعمال مواد در این ایام مفید است و حتی کسانی هم که معتاد نبودند، سعی می‌کردند بعد از شصت سال به اعتیاد روی آورند. این مقرر ناظر به استفاده معتاد از سهمیه دولتی بود که مزایای زیر را می‌توان برای آن در نظر گرفت:

۱- معتادان قابل کنترل می‌شوند و ضمن ادامه اعتیاد، تخلفی قانونی هم صورت نمی‌گیرد (تبصره ماده ۳ آیین نامه یاد شده است)

۲- در همین راستا معتادان فقط به میزان مورد نیاز می‌توانند مواد تهیه کنند حال آن که در سیستم بازار آزاد تأمین مواد بیشتر و ذخیره آن ممکن است.

۳- معتاد به عنوان یک بیمار با پزشک رو به روست و پزشک صالح هم تنها به مقدار نیاز آن را تجویز می‌کند

۴- از نظر روانشناسی معتاد احساس نمی‌کند که از جامعه طرد شده است.

۵- امکان ناخالصی مواد و زیان آوری در تریاک دولتی کمتر است.

۶- نیازی به تشدید قوانین و در نتیجه وارد شدن قاچاقچیان مجهزتر به میدان نیست.

متأسفانه این قانون هم به دلیل نبود فرهنگ مصرف در جامعه و صرفاً برخورد قانونی، با وجود مزایای یاد شده نتوانست در امر مبارزه با اعتیاد کارگر باشد و این توهم را در بین مردم به وجود آورد که در سنین شصت سال به بالا نه تنها استعمال تریاک مجاز بلکه لازم است و موجب شد افراد دیگری هم به سوی اعتیاد روی آورند.

ب- دوران پس از انقلاب (سیاست تحریم و مبارزه) چنان که گذشت در قبل از انقلاب حاکمان وقت ضمن آنکه سعی داشتند از طریق تولید و صدور مواد مخدر درآمد ملی کشور را بالا ببرند و به سادگی از این سود سرشار نمی‌توانستند چشم پوشی کنند، قوانینی را هم در این راستا به تصویب رساندند، هر چند توجه به معتادان و درمان آنان نیز هیچگاه دور از نظر قانون گذار نبود و همواره راههای مختلفی را در نیل به این هدف می‌آزمودند. با وجود این، کشت مواد در داخل یا امکان ترانزیت آن و حتی خرید سوخته تریاک و عواملی از این قبیل، روز به روز به میزان معتادان افزود تا آن که در نهایت تصمیم بر این شد که مواد مخدر با توجه به مزایایی که سیستم توزیع دولتی دارد، به تقلید از دیگر کشورها در ایران نیز اجرا گردد که این امر هم به دلیل نبود فرهنگ سازی با موفقیت چندانی روبه‌رو نشد و هم چنان به افزایش دامنه اعتیاد در کشور دامن زد. با آغاز انقلاب اسلامی، به دلیل تازه کار بودن دولت جدید و مشغولیت‌های فراوانی که در تثبیت حکومت وجود داشت، از توجه به امر اعتیاد غفلت شد و

دو مسأله اعتیاد را در کشور تشدید نمود:

۱- به دلیل آن که از نظر شرع فتوایی بر حرمت مصرف تریاک وجود نداشت، در تصویب قوانین مرتبط با اعتیاد اصل مسأله مسأله‌ای نامشروع تلقی نمی‌شد و از این رو در آن فضای حاکم، قانون‌گذار در صدد منع مطلق آن و برخورد با اعتیاد نبود.

۲- سیستم توزیع کوپنی تریاک به دلیل مزایایی که بر شمردیم، در این زمان سیستم مناسبی به شمار می‌آمد لذا دولت جدید هم در همین راستا حرکت کرد و در اوایل انقلاب با کشت مواد مخدر در داخل موافقت نمود ولی به دلیل کنترل نشدن کشت، علاوه بر موجودی انبارها، مواد دیگری هم از سوی کشاورزان کشت و بر میزان قبلی افزوده شد و تولید بیشتر با مصرف بالاتر ملازمه داشت که به نتایج زیانباری منجر شد. نهایتاً «قانون مبارزه با مواد مخدر» در ۱۳۶۷/۲/۳ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.

عمده تغییرات این قانون را می‌توان چنین بر شمرد:

۱- پیش بینی مجازات اعدام در قانون قبلی برای کسی که برای بار دوم به کشت خشخاش اقدام کند، چندان از وجهه شرعی برخوردار نبود و نمی‌توانست چنین مجازات سنگینی توجیه مناسب قانونی داشته باشد، جز شرایط حاکم بر جامعه آن روز که در قانون جدید مجمع قدمی اساسی برای این امر برداشت و اعدام را (در ماده ۲) برای کسی پیش بینی کرد که برای بار چهارم به کشت خشخاش مبادرت کرده باشد.

۲- طی استفتای به عمل آمده از حضرت امام (ره) ایشان جواز حکم اعدام را به صدق مفسد فی الارض منوط کرده بودند که مصادیق آن مبهم و تنها مستند آن آیه مربوط به محاربه بود. (۵۷) در قانون جدید قانون‌گذار در ماده ۶ قدمی اساسی برداشته و برای جلوگیری از آرای گوناگون کسی را که بیش از پنج کیلوگرم تریاک یا سی گرم از دیگر مواد (هروئین، مروفین، کدئین، متادون و... ماده ۸) در اختیار داشته باشد، در حکم مفسد فی الارض دانست. همچنین حکم اعدام را برای قاچاق مسلحانه که یکی از مصادیق بارز مفسد فی الارض است در ماده ۱۱ تعیین نمود، ولی نامی از مفسد فی الارض به میان نیاورد.

۳- تعیین مدت شش ماه برای ترک اعتیاد برای کسانی که کمتر از ۶۰ سال سن دارند و بعد از

این مدت در مواد مذکور در ماده ۸ از اول مجازات و در بقیه موارد برای بار اول مجازات تأمینی در نظر گرفته شد.

۴- پیش بینی مراکز بازپروری برای کسانی که ظرف مدت مقرر فوق ترک اعتیاد نکرده باشند.
۵- اجرای احکام اعدام را به تأیید دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور منوط کرد. در این قانون، قید ولگرد که در ماده ۸ قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور «مداوا و اشتغال به کار معتادین» آمده بود، حذف شد و استعمال مواد مخدر حتی با مجوز طبی جرم شناخته شد (بند ۵ ماده ۱) تنها مورد استثنا معتادان ۶۰ سال و بالاتر بود... اما اختلاف نظر در خصوص جرم بودن یا جرم نبودن اعتیاد به مواد مخدر ادامه پیدا کرد.

۶- معاف شمردن معتادان بالای شصت سال. این قانون هم به دلیل کاستی‌های آن و به منظور تطبیق با نیازهای جامعه، دست خوش تغییر و اصلاح قرار گرفت و با عنوان «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن» مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، در ۷۶/۶/۱۷ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید که هم اکنون قانون قابل استناد در زمینه مواد مخدر است. در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

بخش سوم: نگاهی به قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر

قانون یاد شده هر چند سعی کرده است نواقص قوانین قبل را مرتفع ساخته و تجربه چندین سال مبارزه ملی با مواد مخدر را در قالب قوانین مصوب، متجلی سازد، از جهاتی دارای ابهام یا نقص است که به تفصیل به هر یک از این موارد می‌پردازیم:

در تبصره ماده ۱ مقرر شده است منظور از مواد مخدر در این قانون، کلیه موادی است که در تصویب نامه راجع به فهرست مواد مخدر مصوب ۱۳۳۸ و اصلاحات بعدی آن احصا یا توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان مواد مخدر شناخته و اعلام می‌گردد. ولی در مواد ۴ و ۸ برای برخی از این مواد مجازات تعیین شده است که در نتیجه به نظر می‌رسد برخی مواد هرچند جزء مواد مخدر باشند، تنها به استناد ماده ۱ جرم شناخته شوند بی آن که مجازات مشخصی داشته باشند، در نتیجه یا به رأی برائت و یا به احکام متفاوت منجر می‌گردد.

همچنین در بند ۶ ماده ۱ و نیز در دیگر مواد واژه «خرید» به کار رفته که شامل موارد هبه و معاوضه نمی‌شود و بهتر بود به جای آن واژه تهیه را به کار می‌برد.

براساس ماده ۴ و با عنایت به تبصره آن، چنان چه کسی بیش از بیست کیلوگرم تریاک و دیگر مواد مذکور در این ماده را از کشور ایران به کشوری دیگر صادر کند، هر چند برای بار اول باشد محکوم به اعدام می‌شود ولی طبق ماده ۵ این قانون، خرید و نگهداری، اخفا و حمل مواد به هر مقدار در بار اول، مجازات اعدام را در پی ندارد. به بیان دیگر، قانون گذار برای دفاع از منافع دیگر کشورها مجازات اعدام را در نظر می‌گیرد ولی در جایی که منافع داخلی کشور در خطر است (با توجه به حمل مثلاً هزار کیلو برای بار اول) از مجازات اعدام صرف نظر می‌کند، در حالی که شایسته بود قانون گذار بیش تر به منافع خود می‌اندیشید نه منافع دیگران. با وجود این، قانونگذار در ماده ۸ این قانون عکس این سیاست را در پیش گرفته است، به این بیان که طبق تبصره یک ماده ۸، عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور با توجه به کیفیت و مسیر حمل «از موجبات مخففه به حساب آمده و با وجود پیش بینی اعدام برای کسی که بیش از سی گرم هروئین و دیگر مواد مذکور در ماده ۸ را تولید، توزیع، صادر، خرید یا فروش کند، در جایی که شخص تصمیم به توزیع یا فروش آن در داخل کشور نداشته باشد، از مجازات اعدام معاف می‌گردد. به بیان دیگر در این تبصره، ارتکاب جرمی که اثرش در خارج تحقق می‌یابد، از عوامل مخففه به حساب آمده است. به نظر می‌رسد شایسته است قانون گذار در تمام مراحل منافع ملی را بر منافع دیگر کشورها ترجیح داده و مجازات سنگین را برای کسانی در نظر بگیرد که به مشکل اعتیاد و توزیع مواد مخدر در داخل کشور دامن می‌زنند. نکته دیگر این که قانون گذار در ماده ۴، کلمه توزیع را به کار برده که تحویل آن به یک نفر، مصداق توزیع نخواهد بود و این برداشت با مقصود قانون گذار در تضاد است.

طبق ماده ۵ این قانون، حمل و نگهداری و اخفای مواد مخدر برای بار اول نهایت ده سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق و به ازای هر کیلوگرم دو میلیون ریال جریمه نقدی خواهد داشت و این می‌تواند مشو «قی باشد برای کسانی که می‌خواهند برای یک بار آن هم حتی ۱۰۰۰ کیلوگرم مواد در اختیار داشته باشند. نکته دیگر این که خرید، نگهداری، مخفی کردن یا حمل تریاک و

دیگر مواد مذکور، طبق تبصره این ماده چنان چه برای مصرف داخل نباشد حتی در بیش از صد کیلوگرم برای بار اول از مجازات اعدام معاف است و در مقابل، اگر همین مقدار برای مصرف داخل باشد مشمول مقررات ماده ۴ خواهد بود یعنی حمل مواد بیش از بیست کیلو حتی برای بار اول مجازات اعدام را در پی دارد. به عبارت دیگر، طبق تبصره این ماده منافع داخلی بر منافع بین المللی ترجیح داده شده است و این در حالی است که در ماده ۴ عکس این سیاست در پیش گرفته شده و از این نظر این دو ماده در تعارضاند. توضیح این که اگر کسی تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را به کشور دیگر صادر کند، طبق تبصره ماده ۴ تحت هر شرایطی حتی اگر برای بار اول باشد محکوم به اعدام خواهد بود. حال آن که بر اساس ماده ۵ چنان چه نگهداری و حمل یا مخفی کردن این مواد برای مصرف داخل باشد، مجازات ماده ۴ را دارد و در غیر این صورت (برای مصرف در خارج کشور) در بیش از صد کیلوگرم در صورت تکرار، اعدام را در پی دارد. حال اگر کسی ۵۰ کیلو مواد را برای صادر کردن به کشور دیگر حمل کند، چنان چه موفق به صدور آن شود طبق تبصره ماده ۴ اعدام خواهد شد ولی اگر موفق نشود به جرم حمل، کم تر از اعدام در انتظار او خواهد بود، و این سیاست به نظر صحیح نمی رسد.

همچنین ماده ۱۱، به قاچاق مواد مخدر به طور مسلحانه اشاره دارد، ولی این که آیا به کار بردن اسلحه سرد هم می تواند از مصادیق اقدام مسلحانه باشد یا خیر، قانون ابهام دارد و با الحاق یک تبصره به آن می توان ابهام موجود را از بین برد.

در ماده ۱۲، برای کسانی که به داخل زندان یا بازداشتگاه یا اردوگاه بازپروری و نگهداری معتادان مواد مخدر وارد نمایند، اشد مجازاتهای مذکور در مواد ۴-۹ در نظر گرفته شده و در مورد مأموران دولت، انفصال دائم از مشاغل دولتی هم بدان افزوده شده است، این در حالی است که این قبیل جرایم بیشتر توسط سربازان انجام می گیرد و انفصال نسبت به آن ها معنا ندارد و ضروری است قانون گذار مجازات دیگری مثل: اضافه خدمت و... را تصریح نماید. راه حل کنونی معرفی این افراد به دادگاه نظامی است.

در ماده ۱۵، اعتیاد جرم اعلام و در ادامه اجازه مراجعه به مراکز درمانی داده شده است. حال

در این که شخص معتاد برای چند بار می تواند با مراجعه به مراکز درمانی خود را از مجازات معاف کند، ماده ۱۷ سابق تکلیف را روشن کرده بود ولی در حال حاضر با حذف ماده ۱۷ این ابهام هم چنان وجود دارد و با توجه به لزوم تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم قوانین کیفری، اگر کسی پس از مراجعه به مراکز درمانی دست گیر شود، حتی برای چندمین بار باید از مجازات معاف گردد. البته جرم اعلام کردن اعتیاد برای اولین بار در ماده ۱۵ این قانون صورت گرفته که با بیمار تلقی کردن معتاد تفاوت دارد و ارفاق امکان مراجعه به مراکز درمانی باید هم در صورت دستگیری و هم در بیماران خود معرف باشد در حالی که مجرم دانستن وی با اجرای مجازات همراه بوده و در صورت دستگیری از چنین حمایتی برخوردار نخواهد بود. چنین حرکتی با سیاست کیفری جهانی در مورد معتادان سازگار نیست و باید برای معتادی که دستگیر شده است دست کم در مرحله اول اجازه مراجعه به ترک اعتیاد اجباری باشد. نکته دیگر آن که در آیین نامه اجرایی راجع به ماده ۱۵ آمده است: «زمانی قرار موقوفی تعقیب صادر می شود که متهم قبلاً خود را به مراکز درمانی مقرر در این قانون معرفی کرده باشد» حال آن که برخی ندانسته خود را ممکن است برای ترک اعتیاد به دادگاه معرفی کنند و همچنین الزام معرفی معتادان به مراکز خاص، این محدودیت را ایجاد می کند که اگر معتاد به مرکز دیگر یا حتی پزشک خانواده خود برای ترک اعتیاد مراجعه کرد، از این معافیت برخوردار نباشد. این در حالی است که اگر اجازه مراجعه معتاد به این مراکز بعد از دستگیری دست کم در بار اول داده شود، امر به جایی است. همچنین اگر اقربا و خویشان معتاد هم به چنین اقدامی دست زده و معتاد را به مراکز درمانی فرستادند یا اگر اشتبهاً وی را به دادگاه معرفی کردند، لازم است چنین معافیتی در نظر گرفته شود. همچنین انحصار و مراجعه به مراکز درمانی خاص، اگر چه از جهاتی قابل تحسین است ولی این بیم را در برخی معتادان به وجود می آورد که به راحتی نتوانند بیماری خویش (اعتیاد) را با پزشک در میان بگذارند و به اصطلاح به اعتیاد خود اعتراف نمایند.

در ماده ۱۶ دو نکته قابل توجه است:

الف- قانون گذار در صورت تکرار اعتیاد، جریمه نقدی را حذف و تنها به ۷۴ ضربه شلاق

حکم کرده است. چنین رویه‌ای موجب این شائبه می‌شود که تکرار اعتیاد از عوامل مخففه است و می‌تواند به نوعی تشویق به اعتیاد باشد.

ب- در این ماده از یک سو انفصال دائم از خدمات دولتی مورد تأکید قرار گرفته و از سوی دیگر با ترک اعتیاد امکان بازگشت به محل کار تصریح شده است که این دو با هم ناسازگارند اگر چه اقدام قانون گذار در ایجاد زمینه بازگشت معتادان به محل کار قابل تقدیر است.

در ماده ۱۸، قانون مبارزه با مواد مخدر، معتاد کردن دیگری جرم شناخته شده و در صورت تکرار برای بار سوم حتی مجازات اعدام برای آن پیش بینی شده بود که این جرم و مجازات سنگین با کمال تعجب در قانون اصلاحی حذف شد و در نتیجه می‌توان گفت طبق این قانون معتاد کردن دیگری جرم نیست در حالی که پیش گیری از اعتیاد به مراتب از مبارزه با خود اعتیاد ضروری تر است.

در ماده ۱۹، قانون گذار برای افراد غیر معتاد که مواد مخدر استعمال می‌کنند، مجازات شلاق و جریمه نقدی در نظر گرفته است ولی اگر همین افراد خود را به مرز اعتیاد برسانند می‌توانند از معافیت مجازاتی به شرط معرفی خود به مراکز درمانی استفاده کنند و این سیاست گرچه برای پیش گیری ضروری است ولی با توجه به امکان تشویق افراد به اعتیاد، سیاست صحیحی نیست و به نظر می‌رسد تذکر و ارشاد اشخاص در این موارد کافی باشد و مجازات برای چنین موردی علاوه بر این که وجهه شرعی ندارد، موجب جری تر شدن و از بین رفتن ترس از مجازات و در نتیجه اعتیاد می‌شود.

در ماده ۲۱، برای اقربای درجه یک در صورت پناه دادن متهم، مجازات کمتری نسبت به دیگر افراد در نظر گرفته شده است و گویا علت حکم این بوده که به هر حال رابطه عاطفی بین پدر و فرزند و... آن را نباید در این موارد نادیده گرفت؛ در صورتی که طبق این ملاک در ماده ۲۳ هم لازم بود چنین معافیتی در نظر گرفته شود؛ مگر این که بگوییم رابطه فرد با فرد غیر از رابطه فرد با آلاتی است که می‌تواند به محکوم شدن شخصی بینجامد.

در ماده ۳۲، اجرای احکام اعدام به تأیید دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور منوط شده

است و در غیر اعدام، چنانچه به نظر آن دو حکم بر خلاف شرع صادر شده یا قاضی ناصالح باشد، حق نقض دارند بی آن که حکم غیر قطعی تلقی شود. در انشای این ماده مدت زمانی برای حق تجدید نظر در نظر گرفته نشده حال آن که لازم بود مدت آن مشخص گردد. همچنین قطعی تلقی کردن حکمی که احتمال خطا در آن زیاد است، امر شایسته‌ای نیست.

در تبصره ماده ۳۸، همکاری محکومان با نیروی انتظامی یا دیگر سازمانها برای کشف شبکه‌ها از عوامل مخفیه به حساب آمده است که به نظر می‌رسد این تشویق باید فراگیر شده و منحصر به محکومین نباشد. حتی اگر کسانی قبل از دستگیری مراجعه و چنین اقدامی کردند، از مجازات معاف باشند. در برخی از مواد این قانون خرید مواد جرم شناخته شده است (مانند ماده ۴۰) که در نتیجه معاوضه و به دست آوردن رایگان آن را نباید جرم تلقی کرد (به دلیل تفسیر به نفع متهم در قوانین جزایی). پیش بینی نکردن مهلت تجدید نظر برای احکام غیر قطعی، از دیگر نواقص این قانون است ۱۵- در مورد مواد روان گردان، به رغم الحاق ایران به کنوانسیون ۱۹۸۸ تنها قانون ۱۳۵۴ در دست است که نیاز به بازنگری دارد. به رغم کاستی‌های موجود، نحوه تفسیر و اجرای قوانین از سوی قضات، توجه به اصول حاکم بر قوانین جزایی مثل اصل برائت، تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم و... و همچنین گرایش قضات به مجازات گرایی یا اصلاح افراد، نقش به سزایی در بر آورده ساختن اهداف قانونگذار دارد.

بخش چهارم: تاثیر مواد مخدر بر رفاه و آسایش اجتماعی

گروه‌های قاچاقچی در کنار خرید و فروش مواد مخدر افیونی، قاچاق اسلحه نیز انجام می‌دهند. در هنگام استراحت و وضعیت غیرعملیاتی، بسیاری از قاچاقچیان در درون منزل‌های خود دارای اسلحه‌های کمری و حتی اسلحه‌های جنگی انفرادی هستند. مجرمین قاچاقچی مواد مخدر با اسلحه، ابایی از درگیری‌های مسلحانه، سرقت مسلحانه، قتل و آدم ربایی ندارند. اگرچه باید توجه داشت که تمام درگیری‌های مسلحانه منشأ قاچاقچیکری ندارد اما تا حد زیادی با هم همپوشی دارند. یکی از موارد که میتواند باعث بر هم زدن امنیت اجتماعی و آرامش روانی جامعه شود، مواد مخدر است. بر کسی پوشیده نیست که استعمال مداوم ماده افیونی مخدر چه پیامدهای ناگواری میتواند برای انسان و جامعه انسانی داشته باشد. استعمال

مواد مخدر، آزادی، اراده، شرف، استقلال، تفکر، نشاط و امید را از انسان میگیرد انسان را تبدیل به فردی بیمار، ضعیف، رنجور، ناامید، سربار و وابسته می کند. این ویژگی ها تنها بخش کوچکی از یک فاجعه بزرگ است.

نتیجه گیری

مسئله وجوب جلوگیری از ضرر در فقه شیعه و اهل سنت به حدی اهمیت دارد که فقها در مواردی مثل روزه با احتمال ضرر وجوب آن را منتفی دانسته و حتی به حرمت آن فتوا داده‌اند. از این رو در مورد مواد مخدر در جایی که ضرر آن قطعی است به یقین استعمال آن حرام خواهد بود. در مورد حکم وضعی خرید و فروش هم حضرت امام در جواب استفتایی مرقوم فرمودند: «تخلف از منع دولت نباید بشود ولی حکم وضعی ندارد» و در مورد مجازات قاچاقچیان و در نظر گرفتن حکم اعدام، آن را منوط به صدق افساد فی الارض دانسته و فرموده‌اند: «فساد در صورتی است که مواد مخدر پخش شود به طوری که موجب ابتلای بسیاری شود یا به قصد این عمل یا با علم این اثر». این در حالی است که فقهای اهل سنت نه تنها به تحریم مطلق مواد مخدر ملتزم شده بلکه آن را به استعمال دخیانیات هم سرایت داده‌اند و به دلیل الحاق این مواد به مسئله خمر، خرید و فروش آنها را هم باطل دانسته و تصریح کرده‌اند که صدقه و زکات و حج با این اموال، مردود است.

منابع و مآخذ

۱. استفانی و دیگران، آیین دادرسی کیفری، نشر دانشگاه علامه طباطبایی چاپ اول، ترجمه دکتر حسن دادیان، ۱۳۷۷.
۲. استفانی، گاستون و همکاران، حقوق جزای عمومی، مترجم، دکتر حسن دادیان، نشر دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ دوم، ۱۳۹۹، جلد دوم.
۳. اکبری، بهنام، انصاری مقدم، حامد، اماره قانونی در حقوق کیفری، فصلنامه علمی و پژوهشی حقوقی، دوره اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۹۱.
۴. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، نشر اشراق، چاپ اول، ۱۳۷۹، جلد چهارم.
۵. آرشیو حقوقی کیهان، مجموعه رویه قضایی، آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲، جلد ۱، آراء جزایی، ۱۳۴۲.
۶. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، نشر سمت، چاپ دوازدهم، جلد دوم، ۱۳۸۸.
۷. باصری، علی اکبر، مواد مخدر در منابع فقهی و فتاوی مراجع تقلید عظام، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۸. برنار، بولک، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر مجد، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
۹. تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و رای وحدت به شماره ۱۳۷۹/۱۲/۲۴-۲۱۳۴.
۱۰. تدین، عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۱۱. تدین، عباس، جایگاه کارشناسی و ادله بیوژنتیکی در دادرسی های کیفری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۸، ۱۳۸۸.
۱۲. تدین، عباس، گستره ی دلیل در دادرسی کیفری ایران و فرانسه، مجله حقوقی دادگستری شماره ۶۷۸، ۱۳۷۸.
۱۳. ذبحی، حسین، شرح و بررسی ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶، قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۹۷.

۱۴. رحمدل، منصور، بار اثبات در امور کیفری، نشر سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴. به نقل از آزمایش، علی، تقریرات درس حقوق کیفری عمومی.
۱۵. رحمدل، منصور، حقوق کیفری موادمخدر، نشر دادگستر، جلد اول، سال ۱۳۹۱.
۱۶. زراعت، عباس، درس‌هایی از آیین دادرسی کیفری اندیشه‌های حقوقی، چاپ اول ۱۳۹۰.
۱۷. ساکی، محمدرضا، مواد مخدر و روان گردان، نشر جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۱۸. سرمست بناب، باقر، اصل براءت در حقوق کیفری، نشر دادگستر، چاپ اول ۱۳۸۷.
۱۹. صابر، محمود، آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی، نشر دادگستر، جلد اول.
۲۰. عمرانی و دیگران، بررسی توصیفی جرایم موادمخدر نشر جاودانه، چاپ اول.
۲۱. عمروانی، رحمان، تعارض ادله اثبات دعوا، نشر فکرسازان، چاپ اول، ۱۳۹۰.

